

ابراهیم فیاض، بهاره آروین و ... در گفت‌وگو با «فرهنگ‌یگان» مطرح کردند

# لایحه حجاب باشکاف‌های اجتماعی چه می‌کند؟



فائمه برهمانی‌ورندی

خبرنگار گروه اندیشه

از روزهای ابتدایی شعله‌ور شدن آتش منازعات فرهنگی حجاب در ایران حدود یک سال می‌گذرد، یک سال زمان خوبی است برای ارائه راهکار و راه حل. کاری به این ندارم که در چه پارادایم و با چه عنوانی می‌خواهیم این پدیده را تحلیل کنیم، شورش، اعتراض خیابانی، جنبش اجتماعی، انقلاب یا هرچه تا به الان صاحب‌نظران نامش را گذاشته‌اند. حالا مساله فراتر از اتفاقات گذشته، معطوف به آینده خواهد بود. مساله بر سر این است که ممکن است یا این زخم کهنه سر باز کند و زمانی که همه غافل بودیم از چرک‌هایش، متوجه مخاطراتش شویم. رفتارهای رادیکال پاییز سال گذشته نشان داد همه آنچه در طول این مدت به نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز در ایران بدل شده بود و همه آنچه ما علی‌رغم ثنّت آرا و تفاوت فرهنگی ذیل ایرانیات تعریفش می‌کردیم، می‌تواند در چشم برهم‌زدنی از هم بپاشد و چنان نفرتی در میان اقشار مختلف بروز پیدا کند که نهایتاً به دوقطبی شدن جامعه بدل شود. البته هر مساله فرهنگی، اجتماعی یا سیاسی در کشور این پتانسیل را ندارد. اما به جد می‌توانم بگویم حجاب دقیقاً آن مساله‌ای است که می‌تواند همه معادلات را برهم بزند. نزدیک به چهار دهه از قانونگذاری حوزه حجاب در جمهوری اسلامی می‌گذرد، سه دهه‌ای که با همه رفتارهای سنیوسنی که جامعه به خود دید، شهروندان به نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر رسیده بودند. اما به بیکاره با ورود سلبی یا رادیکال دولت در

امر پوشش، مردم به مقابله با دولت و حتی شهروندان دیگر برخاستند. سال گذشته اتفاقی رقم خورد که طی آن حدود هفت‌ماه تمام مملکت در خلأ به‌سرمی‌برد و متأسفانه دولت هزینه‌های سنگینی چه در عرصه سیاست داخلی و چه عرصه روابط بین‌الملل از قبل این اعتراضات متحمل شد. چند ماهی که از روزهای ملت‌به‌فصله گرفتیم و آتش اعتراضات و آشوب‌ها خاموش شد، فرصت چاره‌اندیشی و تحلیل آنچه که رخ داد فرا رسید. اما متأسفانه متولیان فرهنگ در کشور باز هم نشان دادند که اساساً اعتقادی به مقوله کار فرهنگی نداشته و رفتار قضایی، پلیسی و سلبی را به عنوان اولین راهکار می‌پذیرند. لایحه حجاب و عفاف به‌عنوان راه‌حل این مساله و عامل بازدارنده‌ای برای کجروی‌های اجتماعی تنظیم شده است، اما متأسفانه نه تنها این لایحه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد تدوین نشد، بلکه دولت هیچ‌گونه دخالتی برای تنظیم آن نداشت. همه آنچه که در این لایحه آمده، توسط قوه قضائیه ابلاغ و در کمیسیون قضایی مجلس بررسی شد. حالا ما با نوعی جرم‌انگاری در مساله حجاب مواجه هستیم. جرمی که در صورت ارتکاب، بناسبت به‌جای برخورد فیزیکی، گشت ارشاد و رفتارهای سلبی، جریمه‌های گزاف مادی عامل بازدارندگی ایجاد کند. اما آنچه که محقق می‌شود برخلاف تصور قانونگذار خواهد بود.

بعضا قانونگذار در فضای انتزاعی و تحلیلی که از جامعه دارد طرحی را به‌عنوان لایحه قانونی مطرح می‌کند اما عملی شدن و کاربردی بودن این طرح منوط به فراهم بودن شرایط لازم برای اجرایی شدن آن است؛ مساله‌ای که ما کمتر در خصوص لایحه حجاب شاهد آن هستیم. در بند به بند و ماده به ماده این لایحه ما شاهد نوعی شتابزدگی و غلبه هیجانات قانونگذار

هستیم. اساساً مسائل و الفاظی در این لایحه به کار برده شده که بنیان نظری نداشته و حاکی از آن است که مسئول مربوطه تنها به دنبال محکوم کردن بی‌حجابی در جامعه است و کاری به ارتباط میان مفاهیم با یکدیگر ندارد. از کم‌رنگ شدن حیا در اجتماع و سست شدن پایه خانواده تا همجنسگرایی و سایر مصادیق کجروی‌های اجتماعی ذیل بی‌حجابی تعریف شده و تنها راه‌حل قانونی و تنها راه بازدارندگی از این اتفاق را در تصویب و دوقوریتی شدن این لایحه می‌دانند.

اما اتفاقی که در این لایحه رخ داده فارغ از همه ایرادات و خلأهای قانونی که حقوق‌دانان و نمایندگان مجلس مخالف با آن، مطرح کردند، روح غالب و حاکم بر این طرح اقتصاد است و عامل بازدارنده ترس از به خطر افتادن موقعیت اقتصادی. در چنین اوضاعی که غالباً مردم به نوعی درگیری‌های اقتصادی و معیشتی دارند، دولت هم دست بر همین نقطه گذاشته و از همین جا به دنبال ایجاد نوعی ترس در اجتماع است. افرادی که توان اقتصادی لازم برای پرداخت هزینه‌ها را ندارند، باید طبق معیارها و استانداردهای مشخص شده از جانب حکومت عمل کرده و گزینه مجبور به تحمل نوعی تنگنای اقتصادی هستند. حالا با این شرایط و با توجه به فاصله طبقاتی که در ایران شاهد هستیم حتماً طبقات بالای جامعه از پس پرداخت چنین هزینه‌ای برآمده و می‌توانند همان‌طور که خود صلاح می‌دانند و بی‌توجه به استانداردهای دولتی، پوشش خود را انتخاب کنند.

حتی اگر بخواهیم نسبت به شکاف اجتماعی ایجاد شده و تشدید آن قبل این لایحه هم بی‌تفاوت باشیم، جنبه مادی بخشیدن به اموری که جزء مولفه‌های فرهنگی هستند یا مواردی که جزء ارزش‌ها محسوب می‌شوند، نوعی بحران

معنایی را به بار خواهد آورد. مایکل سندل در کتاب «آنچه به پول نمی‌توان خرید» به‌درستی به آسیب‌هایی که از قبل اقتصادی شدن ارکان جامعه و فرهنگ متوجه اجتماع خواهد شد پرداخته است. ما در اجتماعی که همه مولفه‌های آن با اقتصاد و پول سنجیده می‌شود، با مفاهیمی مواجه خواهیم بود که کاملاً تهی از معنا شده‌اند. در ایران با اجرایی شدن لایحه حجاب کمترین آسیب، زیرسوال رفتن ایده و استدلالی است که تا به الان امور فرهنگی به‌ویژه مساله حجاب ذیل آن خود را تعریف می‌کردند. یعنی همه آنچه که تا به الان به‌عنوان شرع، فرهنگ یا قانون تعریف می‌شد، حالا با مبلغی پول قابل اغماض خواهد بود.

شاید پیش‌تر شاهد بودیم که مساله حجاب در لایه‌ای از شرع و سنت تحلیل شده و نوعی احترام به قوانین برآمده از شرع تلقی می‌شد اما با این وضع ما دیگر نمی‌توانیم حتی به استدلال‌های پیشین خود بازگشته یا مجدد به آنها استناد کنیم. تهی از معنا شدن این مفاهیم می‌تواند در میان قشری که قائل به حجاب هستند بیشتر بروز پیدا کند. مثلاً شما به‌عنوان قائل به حجاب و پوشش شاهد این باشید که افراد می‌توانند با مقدار بیشتری پول خرج کردن، چیزی که ارزش تلقی می‌شده را بخرند و حالا حاکمیت برای اعتقادات شما و آرمان‌های خودش قیمت معین مشخص کرده است. البته اگر بخواهیم از آسیب‌های اجتماعی اجرایی شدن لایحه غافل شویم شاید نتوانیم تحلیل درستی از شرایط و اوضاع جامعه پیش و پس از طرح داشته باشیم.

از منظر آسیب‌های اجتماعی، هیچ تفاوتی میان طرح ابتدایی لایحه حجاب و عفاف و نسخه نهایی از آن که با تغییراتی همراه بوده وجود ندارد. روح حاکم بر لایحه حول

## بی‌حجابی برای منطقه یکی‌هاست

**تحلیل شما در رابطه با لایحه حجاب و عفاف از منظر جامعه‌شناسانه چیست؟** نکته اساسی این است که چه حجاب و چه برهنگی مبنای فلسفی کلامی دارد. مبنای دینی دارد. برهنگی‌ای که غرب در جهان به وجود آورد، قبلاً نبود. جایی که متدینان برهنگی را به‌صورت گسترده ایجاد کردند، غربی‌ها بودند که با تحول کلامی در دین این کار را کردند. این مینا را درآوردند که خدا انسان را به‌شکل خودش درآورده، شکل و بدن انسان همچون بند خداوند است. در مسیحیت این را به‌تصویر کشیدند. عبارت عربی «خلق الله الادم علی صورته» مصداق همان چیزی است که در یهودیت و اسلام و مسیحیت مشترک هستند، اما تعبیر متفاوت است. در رنسانس گفتند جسم انسان مقدس است و نقاشی و مجسمه برهنه از انسان کشیدند.

بعد به عقل و غریزه رسید و ما به آن اومانیسیم می‌گوییم. اومانیسیم دیگر نفی خدا کرد و خدا را کنار گذاشت. این مساله غرب امروز، برهنگی مبنایش اومانیسیم است؛ اومانیسیمی که در ایران هم اجرا شده سبب شده که دچار

نوعی برهنگی شده‌ایم. وقتی ما در دانشگاه اومانیسیم را ترویج کردیم و تمام شاخص‌های دانشگاهی ما غربی شد، نتیجه‌اش این شد که حالا ما شاهد نوعی رخنه ایده غربی و نوسازی اومانیسیتی در بستر جامعه و حجاب هستیم. در غرب هم رفته‌رفته مساله برهنگی اقتصادی شد. برهنه شدن باعث ایجاد شرایط بهتر اجتماعی شد. مخصوصاً در رسانه این را بیشتر می‌بینیم. برهنه‌تر بودن، اقتصاد بیشتری را تأمین می‌کند. برهنگی دیگر اصل قرار داده شد، البته این را هم باید در نظر گرفت که برهنگی باعث پایین آمدن ارزش بدنی انسان‌ها خواهد شد. جسم حالا بی‌ارزش شده. یک نکته این است که حجاب از باب زیبایی‌شناسی و لباس است. اگر در جامعه زن و مرد با یکدیگر رابطه نداشته باشند، نکته اولش این است که زیبایی‌ها از بین می‌رود. برهنگی نوعی زیبایی نیست. حجاب این است که زیبایی به وجود می‌آید. اگر خانواده در جامعه‌ای قوی باشد، حجاب هم قوی خواهد شد. خانواده استحکام داشته باشد، فرهنگ حجاب را ایجاد می‌کند. تعهد به خانواده

و همسر که وجود داشته باشد، حجاب هم محکم‌تر خواهد بود. با نوسازی‌های فردگرایی که به وجود آمد و الگوهای مختلف ارائه دادند، خانواده ضعیف شده، ازدواج و تعهد دیگر معنایی ندارد و وقتی فردگرایی روی کار می‌آید، طبیعی است که دیگر تعهد و در پی آن حجاب و پوشیدگی معنا پیدا نمی‌کند.

سیاستگذاری برای حجاب باید حول محور تقویت خانواده باشد، برای تقویت خانواده هم باید الزامات آن مانند مسکن و شرایط ازدواج و... فراهم شود، برای حجاب ابتدا باید زیربنا را درست کنیم. ایسن زیربنا در گام ابتدایی خانواده است، برای نجات خانواده باید همه لوازم و جنبه‌هایی را فراهم کنیم که برای ازدواج لازم است. حالا ما برای اینکه حجاب را ترویج بدهیم، نیاز داریم هزینه‌های یا حجابی را هم کنترل کنیم. هزینه چادرها و لباس‌های محجبه‌الان چطور است؟ باید اینها ارزان باشد. معیاری که جامعه برای حجاب تعریف می‌کند، به‌شدت گران است. اقتصادی که نباشد، خودبه‌خود حجاب از بین خواهد رفت.

حالا ما دو کار داریم؛ حقوق کیفری داشته باشیم یا حقوق غنیمتی؟ طالبان الان حقوق کیفری دارد که سلاق می‌زند و... مقابل آن اگر جریمه وضع کنیم، غنیمت خواهد شد. جوامع از کیفری به غنیمتی حرکت می‌کنند، در اسلام حکومت و مبنایش غنیمتی هستند یا کیفری؟ این کاری که قوه قضائیه در لایحه حجاب کرده با دنیای امروز تطبیق دارد و کار به‌شدت مدرنی است اما با قوانین اسلامی تطبیق دارد. خشونت کیفری جواب نخواهد داد.

### ابراهیم فیاض استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران



**با توجه به لایحه‌ای که تنظیم شده و تا حدودی بی‌حجابی را مادی کرده، این‌طور به نظر می‌رسد که طبقه بالای جامعه با پرداخت هزینه می‌توانند پوشش خود را انتخاب کنند و این موضوع برای همه اقشار نخواهد بود، تحلیل شما از این اتفاق چیست؟**

قانونگذاری که این قانون را وضع کرده با مشاهده و تحقیق میدانی‌ای که از جامعه داشته، فرض را بر این گرفته که بی‌حجابی بیشتر در شمال شهر تهران یا مرکز شهر دیده می‌شوند و این‌طور نتیجه گرفته بودارها که متأثر از فرهنگ غرب هستند بی‌حجابند و گرنه در جنوب شهر یا مناطق کمتربرخوردار این بی‌حجابی رانمی‌بینیم. افرادی بی‌حجاب خواهند شد که هزینه اشتراک خریدن برنامه‌ها یا هزینه پرداخت شبکه‌های ماهواره‌ای را هم دارند. با این پیش‌فرض اتفاقاً لایحه دقیقی وضع شده است. کسانی که این غربگرایی را ترویج می‌دهند یا از آن حمایت می‌کنند و حتی پوشش‌شان را با آن تطبیق می‌دهند، افراد متمول جامعه هستند. البته این معضلات اخلاقی فرهنگی را صرفاً به حجاب نمی‌توان تقلیل داد، بسیاری از مسائل ناهنجاری مانند مصرف مشروبات الکلی و ماهواره هم مختص قشر خاصی هستند.

**به نظر شما این لایحه قابلیت اجرایی شدن خواهد داشت یا آسیب‌های اجتماعی ممکن است مانع از اجرای آن شوند؟**

نکته من این است که جریان بی‌حجابی و اعتراضات یک‌باره شروع شد و این یک شوک است و در درازمدت فرهنگ جامعه این‌طور نمی‌ماند. جامعه خوش را تنظیم خواهد کرد. امر اجتماعی به عقب‌بازمی‌گردد اما ما تحولاتی خواهیم داشت. جامعه به‌شدت درحال پیشرفت است؛ در پس این پیشرفت، ساختارهای اجتماعی تا حدودی تغییر می‌کنند و ما باید سعه‌صدر داشته باشیم تا نسل‌ها خود را پیدا کنند. الان نوجوانان باید خودشان را با این ساختارها تطبیق دهند. درخصوص این لایحه به‌نظر من، امروز جمهوری اسلامی با آزمون و خطا پیش می‌رود، می‌خواهند اجرا کنند و ببینند نتیجه چه خواهد شد پس از آن ببینند می‌توانند آن را تغییر دهند. من لایحه را کامل بررسی نکرده‌ام، لفظ دقیق آن حقوق‌گرا می‌گردد، نه کیفری. ما در حقوق اسلامی هم این مورد را داریم که ابتدا غرامتی است و بعد کیفری.